

اعتراضی به وسعت ایران

حسن بهگر

اعتراض ایرانیان به تنگ آمده از گرانی و فقر همچون زلزله ای کشور را تکان داد و پاسخ حکومت به مردم گرسنه گلوله و زندان بود. تصویر مختصری که به دست ما رسیده از این قرار است.



جنبش اعتراض به افزایش بهای بنزین که در 25 آبان آغاز شد با تأیید و تأکید خامنه ای خیلی زود فراگیر و سراسری شد. من نام 60 شهر را که در اعتراض بسر می بردند از شبکه های اجتماعی گردآوری کرده ام که عبارتند از :

تهران، قم، شهرک اندیشه، ملارد، گوهردشت، فردیس، اسلام شهر، شهرک قدس (قلعه حسن خان سابق)، چهاردانگه، هشتگرد، شهریار، رباط کریم، اسلامشهر، گرگان، اصفهان، شاهین شهر، نجف آباد، ارومیه، یزدانشهر، اهواز، گچساران، امیدیه، آبادان، خرمشهر، لرستان، ماهشهر، دزفول، شوشتر، بهبهان، بوشهر، شیراز، زاهدان، شهرک صدرا، کازرون، یاسوج، کرمانشاه، جوانرود، فولادشهر، مریوان، سنندج، بوکان، سقز، ایلام، شیراز، گرمسار، تبریز، سقز، چابهار، رشت، اهر، یزد، سرپل ذهاب، بوشهر، رودهن، دماوند، جم، بابل، فسا، کنگان و..

رژیم اینترنت را قطع کرد تا بتواند در سکوت کامل و بی خبری به کشتار مخالفان پردازد. اکنون که اینترنت نسبتاً در برخی مناطق برگشته و فیلم هایی جسته و گریخته به خارج درز می کند سببیت و شدت وحشیگری در این سرکوب ها را می شود دید، تا آنجا که برخی سخن از حمام خون می گویند. عفو بین المللی تعداد کشته شدگان را 143 نفر برآورد کرد ولی تأکید کرده که تعداد باید به مراتب بیش از این باشد و خبرهایی کم و بیش موثق بیش از 500 نفر را تأیید می کند.

حکومت کوشش کرد گرسنگان غارت شده ی این کشور ثروتمند را خرابکار قلمداد کند ولی فیلم هایی که در شبکه ها تکثیر شد حاکی از دست داشتن عوامل حکومتی در آتش زدن و تخریب اموال عمومی نیز بود. اکثر اعتراض کنندگان زیر 25 سال دارند و هیچ امیدی به آینده

ندارند و از حاشیه‌ی شهرها هستند. کارگزاران رژیم تأیید کردند که مردم دستگیرشده اغلب بیکار و فقیر و جوان هستند. رژیمی که با یاری حاشیه‌نشینان به قدرت رسید خود به چنان فاصله‌ی طبقاتی دامن زده که گرسنگانی از تمامی ایران را به خیزش واداشته است. تعداد بازداشت‌شدگان به قدری است که زندان‌های موجود جوابگو نیست، زندان فشافویه یک نمونه از آنست. از ناچاری محل مدارس را هم به عاریه گرفته‌اند.

شعارهای داده‌شده از ارتقای خواست تظاهرکنندگان از مسأله معیشتی به سیاسی حکایت می‌کند. «مرگ بر دیکتاتور، مرگ برخامنه‌ای، کل نظام ولایتش باطله، پول نفت گم شده خرج فلسطین شده، اهوازی با غیرت ماشینتو خاموش کن، توپ، تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه.»

در بین شعارها من شعاری در تأیید رضاپهلوی ندیده و نشنیدم. داده‌شدن شعار رضاشاه روح شاد را فقط در مشهد شاهد بودیم. جایی که رضاشاه به اعتراض ملایان با گلوله و توپ پاسخ داد و تعداد زیادی از آنها را کشت. نخستین بار در دی ماه دو سال پیش در قم شهر دیگر مذهبی این شعار داده شد که به تصور من بسیار معنادار است و ابداً برای پاسداری از خانواده پهلوی گفته نمی‌شود بلکه در تقابل با ملایان است و تلویحاً پس‌رانده شدنشان را در دوان پهلوی اول به رخ ملایان می‌کشند بویژه آنکه همزمان مرگ بر دیکتاتور هم گفته می‌شود.

آنچه مسلم است مرگ رژیم جمهوری اسلامی نزدیک است و امیدی که حکومت به اروپا برای گشایش اقتصادی بسته بود نقش برآب شده و کشورهای دیگر حاضر به ریسک‌های شکستن تحریم‌ها نیستند. تظاهرات اخیر شکاف بین ملت و رژیم حاکم را به وضوح نشان داد که اختلاف فقط در اقتصاد نیست بلکه فراتر از آن در ساختار حکومت است. شعارها نشان داده که مردم این رژیم را نمی‌خواهند. رژیمی که پیرشده و کارنامه‌ای جز کشتار و زندانی و ویرانی نبوده است و محکوم به سرنگونی است.

اما باید بخاطر داشت این جنبش‌های اعتراضی هنوز بی‌سر است و سازماندهی نشده است و ره‌ بجایی نخواهد برد. چاره کار در سیاسی شدن مردم است تا خود را در گروه‌های سیاسی مورد علاقه‌ی خود سازماندهی کنند. در غیر این صورت اگر رژیم بیفتد امیدی برای روی کارآمدن یک حکومت دموکراتیک نخواهد بود. همواره به دنبال مسایلی

مبهم دویده ایم و عواقب خوشخیالی خود را چشیده ایم، باید از این کار دست برداریم. باید بدانیم برای چه می جنگیم و چه می خواهیم. سلطنت پهلوی با اتکا به هیاهوی رسانه ای و حمایت غرب وعده های فریبنده می دهد و یک احتمال به شمار می رود اما هرگز از آن دموکراسی و آزادی بیرون نخواهد آمد. گروه های چپ توانی ندارند ولی گروه های قومی که از حمایت بیگانگان برخوردارند جان خواهند گرفت. اگر نتوانیم در یک شکل جبهه ای عینیت یابیم این بار هم باخته ایم چون با ادامه این سیاست آخوندها که ایران را به پرتگاه برده اند در هنگامه چنین اغتشاشات و هرج و مرجی اگر آمریکا و متحدان اسرایلی و سعودی آن وارد عمل شوند برای ایران سوریه ای دیگر را رقم خواهند زد.

چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۹۸

حسن بهگر

برگرفته از سایت ایران-لیبرال

2019November 27, Wednesday

رویای حاکمیت مذهبی ایران برای ورود به زمین بازی بزرگان

جواد قاسم آبادی

چهل و یکسال از انقلاب بهمن ماه می گذرد. حاکمیت مذهبی ایران برغم همه ادعاهای استکبار ستیز، از پایان جنگ با عراق، بی وقفه در استحکام حاکمیت سرمایه و احیای دوران طلایی سرمایه داری وابسته شاهنشاهی تلاش کرده است.

یکی از موانع کلان در احیای سرمایه داری وابسته، نظام پولی-مالی

منتج از انقلاب و سال‌های آغاز مصادره قدرت بوسیله حاکمیت مذهبی ایران است. در طول این سال‌ها تمامی نهادهای امپریالیستی از قبیل بانک جهانی پول و سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای امپریالیستی خواهان حذف سوبسیدها و بقولی عادی شدن اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران بوده‌اند و هستند.

حاکمیت مذهبی ایران نیز برغم اشعار و شعارهای گوش‌خراش برای حفظ نیروهای خود و جذب حمایت فرودستان مسلمان دیگر کشورهای جهان، در داخل کشور دست چپاول نهادهای سرمایه‌داری را بازگذاشته است. عدم اجرای قانون باعث شده است تا سرمایه‌های «اسلامی» بنیادها و سپاه در سراسر ایران جولان دهند و با حمایت نیروهای سرکوب، آنچنان تسمه از گرده فاقدان سرمایه بکشند که اوضاع ناهنجار اقتصادی کنونی را ببار آورد و حتی بضرع اخراج و دستگیری و شکنجه و گلوله و اعدام، حاکمیت اسلامی مدعی نمایندگی مستضعفان، از فقر اکثریت و رفاه اقلیتی ناچیز، با گلوله پاسداری کند. امروز بچشم می‌بینم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دیگر فقط پاسدار سرمایه در ایران نیست بلکه خود به کلان سرمایه‌دار تبدیل شده است!

سرمایه‌های مالی و نظامی در ایران آنچنان در یکدیگر ادغام شده‌اند که تفکیک آنها از یکدیگر ناممکن است. تولید در ایران روز به روز در حال کاهش است و واردات نیازهای اولیه همچنان رو به فزونی است. اگر چه تحریم‌ها این روند وابستگی مالی و اقتصادی به کشورهای امپریالیستی را بالاجبار کاهش داده است ولی با رفع تحریم‌ها که با خوشرقصی‌های حاکمیت اسلامی در مقابل امپریالیسم جهانی در چشم انداز است، سرعت بیشتری خواهد یافت چه سرمایه‌داری ایران بدنبال سود بدون زحمت و بدون ریسک است و برای کسب چنین سودی چه بهتر از فروش نفت و گاز و دیگر منابع ملی و خرید مایحتاج از چین و ماچین‌های امپریالیستی؟

اما آنچه باعث درد دل و نوشتن این دردنامه شده است، تهاجم ناگهانی و بدون اعلام قبلی سران حاکمیت به مردم در بدترین شرایط زیست است. مردمی که در اثر تحریم‌ها سنگ به شکم‌های خود می‌بندند، ناگهان در روزی «سعید» باخبر افزایش سه صد درصدی قیمت سوخت روبرو می‌شوند!

توده‌های مردم که چهل و یک سال جنگ و گریز با حاکمیت اپارتاید جنسی در ایران را تجربه کرده‌اند، بخوبی می‌دانند که افزایش قیمت هر کالای اساسی بر قیمت دیگر کالاها اثر افزایش‌دهنده دارد و از عواقب این تصمیم ناگهانی خیلی خوب باخبرند. این آگاهی به توطیه سران سه قوه و عواقب آن، چنان روان‌گرسنگان را می‌آزارد که به خیابان‌ها می‌آیند و تمامی مظاهر این حکومت آزار و تبعیض ضدانسانی را به آتش

می کشند.

کارشناسان سرمایه که بخوبی از خشم مردم در حذف سوبسیدها باخبرند، با آمادگی کامل و با گلوله از معترضین استقبال می کنند. این همه نشان می دهد که این لحظه بدقت از طرف سران رژیم انتخاب شده است. انتخاب این لحظه از یک سو به مانورهای نظامی- انتظامی هفته های گذشته در داخل کشور و آمادگی نظامی کسب شده و از یک سو گرفتاری های کشورهای امپریالیستی از جمله چین در هنگ کنگ و بریتانیا در خروج بریتانیا از اروپا و استیضاح رییس جمهور آمریکا و برهم خوردن نظم کشورهای آمریکای جنوبی و به خیابان آمدن مردم در کشورهای همسایه مربوط می شود.

بواقع در چنین شرایطی ست که دولت های امپریالیستی از برداشتن سوبسیدها حمایت می کنند و مردم دنیا در مورد کشتار مردم بیگناه و معترض به تهاجم ناگهانی رژیم، عکس العمل درخور نمی توانند نشان دهند. آنچه در ده روز گذشته بر بیش از ۲۰ میلیون خانوار زیر خط فقر گذشت، حاکی از آن است که سران حاکمیت از این جنگ ناگهانی، که خود تاریخ آنرا رقم زدند، پیروز بیرون آمده اند. پیروزی به قیمت بر زمین ریختن خون صدها بیگناه!

و اما این آغاز ماجراست. آغاز ماجرای که خود آغاز کرده اند. آغاز آگاهی توده های مردم به سببیت و عزم جزم حاکمیت در دفاع از ربا و ترویج ربا. کم نبودند کسانی که گول شعارهای دهن پرکن حاکمیت در مبارزه با استکبار را می خوردند و کم نبودند کسانی که از سیاست های میانه بازانه حاکمیت در برخورد با مفساد، جوانه های امید در دلشان سبز شده بود، این فریب خوردگان که برای حفظ اسلام و ایران به جنگ حتی با الدواعش می رفتند، به آنی فهمیدند که شعارهای حاکمیت دروغی بیش نیستند و حاکمیت ایران هیچ سرسازشی با مردم ایران ندارد و هر آنکس که با حاکمیت مذهبی ایران نباشد، محارب است و خونش حلال!

اما چه عاملی باعث شده است که حکومت مذهبی ایران این چنین شداد و غلاظ به دفاع از دولت ۱۲م و سرکوب بیرحمانه مردم معترض پردازد؟ به باور من مشکل اصلی امروز حاکمیت مذهبی ایران، درونی و در بالای جامعه است. قرن هاست که اسلام ربح و ربا را حرام اعلام کرده و حتی برخی از سران و نظریه پردازان اسلامی ربا را حرام اندر حرام می دانند. بعبارتی حرامی که هرگز و در هیچ شرایطی، حلال نخواهد شد! حاکمیت مذهبی ایران در این لحظه تصمیم خود را گرفت که این تضاد تاریخی را حل کند و با جراحی به قیمت خون مردم گرسنه، تقدس سرمایه را برای همیشه تثبیت کند و آب پاکی بر توهمات توده ها در ضد استکبار بودن خود ریزد.

حل این تضاد باعث می شود که حاکمیت مذهبی ایران یک به یک دست از ادعاهای دوران انقلاب بکشد تا همانطور که «دنیای آزاد» (بخوانید امپریالیسم جهانی) می خواهد، تبدیل به یک دولت عادی شود. دولت عادی که قوانین پولی و مالی و تجاری امپریالیستی را هم به رسمیت شناسد و هم به این قوانین گردن نهد و در مقابل این حاکمیت «الهی» از طرف امپریالیسم برسمیت شناخته شود!

تحقق این رویا اگرچه ناممکن نیست اما مشکلات عدیده ای در مقابل حاکمیت مذهبی ایران قرار می دهد. اهم این مشکلات تعیین تکلیف مالکیت اموال عمومی ست. روند غالب دولت های ایران سربازدن از فهم مالکیت عمومی و بعبارتی ملی و کوشش در احیای مالکیت خصوصی و حتی فروش اموال عمومی (بیت المال) به نورچشمیها به بهای نازل بوده است. با حذف سوبسیدها و کسب حمایت سرمایه های جهانی بی تردید این روند در ایران سرعت خواهد گرفت و تقسیم ثروت در سراسر ایران از این هم نا عادلانه تر خواهد شد.

تقسیم نا عادلانه ثروت گسترده تر و سراسری خواهد شد و جمعیت کثیر حاشیه شهرهای بزرگ به شرایط زیست حومه های سایوپولوی دهه ۶۰ میلادی در برزیل دچار خواهند شد. تهران بزرگ روزبه روز بزرگتر و حومه های کلانشهرها بویژه تهران، روزبه روز پرجمعیت تر و فقیرتر خواهند شد.

بواقع اگر حاکمیت مذهبی ایران در میان مدت نتواند این روند گسترش و تعمیق فقر و فلاکت را دگرگون کند، موج انسانی عظیمی از جنوب شهر تهران بحرکت درخواهد آمد و تا سینه کش البرز بالا خواهد رفت و در بازگشت خود، همچون سونامی، هر چه هست را با خود به پایین خواهد کشید.

حاکمیت مذهبی ایران با تهاجم ناگهانی به سوبسید سوخت و کشتار کور معترضان، به مردم سراسر ایران نشان داد که پس از چهار دهه، کماکان هیچ درسی از کشتار جمعی زندانیان سیاسی و عقیدتی در تابستان ۱۳۶۷ نگرفته است و برای حفظ حاکمیت خود از هیچ جنایتی فروگذار نخواهد کرد.

مردم بی دفاع که عزیزان خود را در طول این ۴۱ سال از دست داده اند، با آگاهی روزافزون از عدم تغییر جوهر حاکمیت مذهبی ایران و سببیت ناشی از لزوم حفظ حاکمیت به هر شکل، در آینده حساب شده تر، متشکل تر، بیسروصدا تر و هدفمندتر به میدان خواهند آمد و مردم کلانشهر تهران در یک تهاجم آرام از جنوبی ترین منطقه تهران، نیروهای نظامی و انتظامی را نخست وادار به عقب نشینی به ارتفاعات البرز و سپس خلع سلاح خواهند کرد.

این روند در صورت عقب نشینی حاکمیت ناگزیر نیست اما در صورتی که

عقب‌نشینی حاکمیت بفوریت صورت نگیرد، مسولیت آینده سیاه و خون‌هایی که بر زمین ریخته خواهد شد، خانه‌هایی که بی سرپرست خواهند شد و معلولینی که از کار و زندگی طبیعی تمام عمر بازخواهند ماند، بر عهده چه کسی بجز سران حاکمیت مذهبی ایران خواهد بود؟

جواد قاسم آبادی

آبان‌ماه ۱۳۹۸، در تبعید

ghassemabadi@yahoo.fr

فراخوان به نیروهای چپ در سراسر جهان: در کنار مبارزات مردم ایران با یستید!

30 نوامبر 2019

بیانیه‌ی زیر توسط جمعی از فعالان مستقل و آکادمسین‌های چپ ایرانی در آلمان، انگلستان و فرانسه در بحبوحه‌ی قیام آبان ۹۸ نوشته شده است. بیش از ۱۵۰ مبارز، اکتیویست، آکادمسین و سازمان سیاسی مستقل چپ از سرتاسر جهان بیانیه را امضا کرده‌اند و همبستگی خود را با مبارزات شجاعانه و برحق مردم ایران ابراز کرده‌اند.

برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان، به [اینجا](#) رجوع کنید*.

این بیانیه همچنین به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و یونان و اسپانیایی انتشار یافته است.

«...»
...»

...»

یکی از تظاهرکنندگان در شیلی

جهانمان آتش گرفته است؛ نه فقط جنگلها، بلکه شهرها هم در سرتاسر جهان در آتش میسوزند. انواع و اقسام تضادهای اجتماعی در حال فوران اند و شعله‌هایشان را به کل این کره خاکی می‌گسترانند: الجزایر، شیلی، اکوادور، هائیتی، هنگ‌کنگ، عراق، لبنان، سودان یا هرکجا که فکرش را بکنید. در بستر و بحبوحه‌ی مبارزات جهانی علیه دوزخ اجتماعی سرمایه‌داری مالی نولیبرال، از ۲۴ آبان ۱۳۹۸ خیزش عمومی دیگری در ایران شکل گرفته است. -

سه‌برابر شدن ناگهانی قیمت بنزین جرقه‌ای بود برای شروع اعتراضات ده‌ها هزار نفر در بیش از صد شهر. بی‌گمان، قیمت بنزین به‌خودی‌خود باعث چنین خیزش عظیم و گسترده‌ای نشد؛ بلکه علت اصلی آن، ۴۰ سال حکمرانی الیگارشی مبتنی بر اقتدارگرایی، حذف سیستماتیک مخالفان و سلب مالکیت بود که در اثر آن میلیون‌ها نفر بیکار شده یا در شرایط کاری بسیار بی‌ثبات قرار گرفته‌اند و از ملزومات اساسی زندگی (تحصیلات، بهداشت، غذا و مسکن) محروم مانده‌اند.

همان‌طور که در شیلی افزایش ۳۰ پزو در قیمت بلیت مترو بی‌درنگ لهیب آتشی پنهان را به جهنم بدل ساخت، در ایران هم قیمت بنزین جرقه‌ی خیزش اخیر را زد (همین امر در مورد مالیات‌بستن بر استفاده از نرم‌افزار ارتباطی WhatsApp

در لبنان و حذف یارانه‌های سوخت در اکوادور و غیره نیز صادق است). دیوارنوشته‌ای در شیلی حال‌وهوای وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «موضوع نه بر سر ... پزو، بلکه بر سر ... سال نولیبرالیسم است».

از روز جمعه (۲۴ آبان / ۱۵ نوامبر) مردم ایران شجاعانه با

ماموران تا بندندان مسلح سپاه پاسداران و مزدوران شبه‌نظامی و لباسشخصی بسیج نبرد می‌کنند، کسانی که به‌لحاظ اقتصادی وابسته به حکومت‌اند. مسلماً مردم «حق» دارند از خود در برابر خشونت نظام‌مند دولتی دفاع کنند، در خیابان‌ها سنگر بسازند، بزرگراه‌ها را ببندند و معابر و اماکن محلی را اشغال کنند.

آن کسانی که فراموش شده بودند و دیده نمی‌شدند، حال با آتشی که افروخته‌اند خود را نمایان می‌سازند. آتش برای آن‌ها حکم جلیقه‌ی زردی را دارد که پرولتاریا و جمعیت مازاد فرانسه به تن دارند؛ هر دوی این‌ها بناست صدایی به بی‌صدایان دهد. درحالی‌که تلویزیون «بی. بی. سی. فارسی» و رسانه‌های هم‌سو با آن، از جمله نیروهای مرتجع سلطنت‌طلب (همچون تلویزیون «ایران اینترنشنال» و «من و تو») آموزه‌های لیبرالی «اعتراض صلح‌آمیز و مدنی» را تجویز می‌کنند، جوانان ایران به این واقعیت آگاه‌اند که «هیچ مردمی بدون نفرت به پیروزی نخواهند رسید»؛ که «نیروی مادی را باید با نیروی مادی سرنگون کرد»؛ و این‌که آن‌ها به‌طور مشروع و موجهی حق دارند از خویش در برابر خشونت نظام‌مند دولتی که شهروندان را می‌کشد دفاع کنند.

پیام مردم در جنوب جهانی و ورای آن یک جمله است: «دیگر بس است!». به‌همین سیاق است که دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های تهران فریاد برمی‌آوردند: «ملت ما عاصیه؛ برده‌داری کافیه!». مردم ایران درست مثل خواهران و برادران‌مان در عراق و لبنان از سرمایه‌داری اقتدارگرایی که زندگی‌شان را به یک زندگی نباتی تنزل داده به‌تنگ آمده‌اند؛ از فساد نظام‌مندی که ذاتی سرمایه‌داری مافیایی است خسته شده‌اند؛ و از خُرده‌امپریالیسم جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و فلسطین و سوریه و یمن و کل منطقه بیزارند. آن‌ها فقط با سه‌برابر شدن قیمت سوخت مخالفت نمی‌کنند؛ بلکه مخالفت آن‌ها با کلیت نظام جمهوری اسلامی است. هیچ شعاری بهتر از شعار رفقای‌مان در لبنان روح این رشته مبارزات را در بزنگاه کنونی را بیان نمی‌کند: «کلاً یعنی کلاً!» [همه‌شان بدون استثناء باید بروند!]. -

طبقه‌ی حاکم تاکنون با مثنی‌آهین به این نفی رادیکال و عملی همه قدرت‌های موجود پاسخ داده است. شدت و ابعاد خشونت سیستماتیکی که جمهوری اسلامی برای فلج‌ساختن خیزش آن‌ها به‌کار بست کم‌سابقه بوده است. مقامات حکومتی اینترنت را چهار روز متوالی به‌طور کامل قطع کردند و با این‌کار مملکت را به جعبه‌ی سیاه بزرگی بدل کردند تا با خاطری آسوده و مصون از هر گونه بازخواهی خون مردم را بریزند. طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل صدها نفر مجروح، هزاران نفر

بازداشت و دستکم «۱۶۱ نفر در ۲۱ شهر کشته شده‌اند». البته «شمار واقعی کشته‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر است و بنا به برآورد برخی گزارش‌ها به بیش از ۲۰۰ نفر می‌رسد». ویدیوهای بسیاری نشان می‌دهند که پلیس به سر و سینه‌ی تظاهرکنندگان تیراندازی می‌کند؛ شیوه‌ای که در عراق نیز عیناً شاهد آن بودیم. این تیراندازی‌ها خصوصاً در استان‌های کردنشین و عرب‌نشین روی داده‌اند که مردم محروم‌شان بار دیگر در خط مقدم خیزش هستند و بیشترین هزینه را داده‌اند.

جمهوری اسلامی تاکنون در دستیابی به اهدافش موفق بوده است؛ حاکمان از فرصتی که تحریم‌های آمریکا برای تحقق رؤیاهای نولیبرال‌شان به‌ارمغان آورده بود استفاده کردند تا هم از شر کسری بودجه‌ی فعلی خلاص شوند و هم منابع کافی برای افزایش عملیات نظامی‌شان در منطقه فراهم آورند. آن‌ها برای این منظور اینترنت را قطع کردند و به‌واسطه‌ی آن به کشتار وحشیانه‌ی مخالفان‌شان پرداختند. در سطح بین‌المللی، سرکوب دولتی در ایران نه پوشش رسانه‌ای مشخصی داشته و نه محکومیتی را در پی داشته است؛ همچنان‌که همبستگی ابرازشده از جانب چپ جهانی هم بسیار اندک بوده است. به‌بیان دیگر، حمام خون در سکوت مطلق رخ داد. یک دلیل این رویکرد شگفت آن است که برخلاف طبقات محروم در ایران و خاورمیانه که هیچ توهمی درباره‌ی نقش «ضد امپریالیسی» جمهوری اسلامی ندارند، بسیاری در اردوگاه چپ همچنان به بازنمایی ایدئولوژیک رژیم از خویش (در مقام نیرویی ضد امپریالیست در برابر آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه) باور دارند. چپ نیازمند آن است که از طبقات تحت‌ستم و سرکوب‌شده بیاموزد، تا هم با امپریالیسم آمریکا (به‌ویژه تحریم‌های آمریکا) مخالفت کند و هم با مداخله‌جویی‌های جمهوری اسلامی در منطقه.

ما امضاءکنندگان این بیانیه، به‌عنوان جمعی از فعالین و دانشگاہیان چپ، از نیروهای چپ در سراسر جهان تقاضا می‌کنیم که سکوت خود را بشکنند و با مردم ایران و مقاومت‌شان اعلان همبستگی کنند. برای ما بی‌معنیست که از جمهوری اسلامی چیزی مطالبه کنیم، ولی از رفقایمان و دیگر نیروهای پیشرو در سراسر جهان می‌خواهیم تا به هر شکلی که می‌توانند صدای مردم سرکوب‌شده ایران باشند که در خفقان این انزوای تحمیلی قرار گرفته‌اند. ما همچنین از چپ بین‌المللی می‌خواهیم جنایات قساوت‌بار رژیم ایران علیه مردمش را محکوم نماید.

و در پایان، همبستگی خود را با معترضان در ایران اعلام می‌کنیم؛ کسانی که با تن‌دادن به ریاضت اقتصادی و اقتدارگرایی و

نظام‌سازیِ جامعه و هر نوع سلطه‌ای که خودمختاری و آزادی‌شان را سرکوب کند، کرامت انسانیِ خویش را باز می‌جویند.

* * *

پی‌نوشت: برای پشتیبانی از بیانیه می‌توانید امضای خود را تا ۳ دسامبر (۱۲ آذر) به نشانی ایمیل زیر ارسال کنید:
azadi_subversion@riseup.net

*- برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان به [اینجا](#) رجوع کنید. این فهرست تا تاریخ سوم دسامبر به‌روزرسانی می‌شود.

[فارسی Persian](#)

[فراخوان به نیروهای چپ در سراسر جهان: در کنار مبارزات مردم ایران بایستید!](#)

[انگلیسی English](#)

[Leftists worldwide, stand by the protesters in Iran](#)

[فرانسوی French](#)

[SOULÈVEMENT EN IRAN : UN APPEL](#)

[آلمانی German](#)

[Solidarisiert euch mit den Protestierenden im Iran ! Aufruf an linke Genoss*innen weltweit](#)

[یونانی Greek](#)

نامه سرگشاده به وزیر امور خارجی آلمان و نخست وزیر ایالت راینلند فالز

نامه سرگشاده زیر به وزیر امور خارجی آلمان آقای هیکوماس و نخست وزیر ایالت راین لند فالز و رئیس سراسری حزب سوسیال دمکرات در آلمان خانم مالو دریر ارسال گردیده و از این مسئولین خواسته شده که در مقابل عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبارزات مشروع مردم ایران سکوت نکنند.

سرکار وزیر محترم وزارت خارجی آقای هیکوماس

سرکارخانم محترم مالو دریر رئیس حزب سوسیال دمکرات آلمان

مطمئنا آگاهید که چگونه بسیاری از مردم در اعتراضات، مستقیما توسط ارگان های امنیتی ایران گلوله باران گشته اند.

آمار کشته شده گان خود گویای همه چیز است. مطمئنا شما میدانید که تا کنون چه تعداد دستگیر گشته اند. بیش از هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و همواره دستگیری ها ادامه دارد. مطمئنا آگاهید که چه تعداد انسان توسط عملیات مسلحانه رژیم ایران سخت مجروح گشته اند.

مدارک نشان می دهند که رژیم ایران با خشونت انسانی را که برای حقوق مشروع شان به خیابان آمده اند سرکوب نموده است و می نماید.

بالا رفتن قیمت بنزین دلیلی بود که میلیون ها انسان در تمامی کشور

به خیابان بیایند و سیستم را در تمامیتش زیر سؤال ببرند و بسیار گویا نشان دهند که آنها دیگر حاضر نیستند در این سیستم زندگی کنند.

خواسته ها و شعار های مردم در روزهای گذشته نشان دادند که مردم از این رژیم بستوه آمده اند و دیگر این سیستم را نمی خواهند.

رژیم ایران تلاش می کند با تهدید و ایجاد ترس و فشار و سرکوب هر فریادی برای دموکراسی را در سینه ها خفه کند. متاسفانه میبینیم که دولت آلمان و اتحادیه اروپا تا کنون با وجود دلایل و شرایط کاملا روشن در مقابل این عملیات گسترده رژیم علیه مردم ایران هیچ عکس العملی نشان نداده است.

تنها همواره از سوی آنان اشاراتی گمراه کننده بیان می شود. مردم ایران برای دست یافتن به مطالبات قانونی و مشروعشان نیاز به پشتیبانی و همبستگی دارند. این مسئله زمانی ممکن خواهد بود که جامعه جهانی و از همه مهمتر کشورهای اروپایی به صراحت با این رویه رژیم ایران مخالفت نمایند.

اما میبینیم که متاسفانه تا کنون چنین نبوده است.

اعتراضات در منطقه خاورمیانه بر علیه جمهوری اسلامی بسیار گسترده است و در حال حاضر انسانها در عراق و لبنان به خیابان ها گسیل شده اند تا به دخالت های ایران در امور داخلی کشورشان اعتراض نمایند.

در حال حاضر باز هم مردم این منطقه قربانی می شوند ولی متاسفانه موضع مشخصی از سوی اروپا در مقابل دخالت های رژیم ایران وجود ندارد. ما نظرات شما را خوانده ایم اما متاسفانه کافی نیست.

مردم ایران حافظه خوبی دارند. آنها بارها برخاسته اند و اعتراض نموده اند و در این اعتراضات قانونی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در نهایت قتل عام گشته اند.

جامعه جهانی از جمله جمهوری فدرال آلمان از این وقایع و اخبار تا کنونی کاملا مطلع است اما تا کنون هیچ حرکتی در مقابل آن انجام نداده است.

در حال حاضر اعتراضات داخلی و بین المللی علیه نظام جمهوری اسلامی در ایران و برای آزادی و دموکراسی و طرد کلیت نظام ادامه دارد.

اکنون زمان آن رسیده است که با یک سیاست قابل لمس به رژیم جمهوری اسلامی ایران فشار آورد تا دست از سرکوب و کشتار مردم ایران در اعتراضات مسالمت آمیزشان بردارد.

اکنون بسیاری از مردم ایران در سوگ قربانیان اعتراضات کنونی نشسته اند و متأسفانه هیچگونه امکانی برای علنی کردن این سوگواری در مجامع و رسانه ها و افکار عمومی ندارند.

خانم و آقای محترم وزیر

شما شاهد بودید که رژیم ایران با بستن اینترنت قصد داشت سرکوب ترسناک و گسترده نظامی بر علیه مردم ایران را از افکار عمومی جهان مخفی نماید.

چه مدت دیگر قصد دارید بجای پشتیبانی از مردم تهیدست ایران و حمایت از اعتراضات آنان، این شرایط و وضعیت را تحمل نمایید.

هیچ چیزی نمی تواند این عملکرد رژیم ایران را مشروع نماید. این رویکرد رژیم ایران با منشور جهانی حقوق بشر به هیچ وجه سازگار نیست.

لذا ما از شما درخواست می کنیم که دست بکار شوید و از دولت ایران بخواهید که فوراً تمامی افرادی را که بدلیل عقاید و خواسته های قانونی شان بپا خواسته اند و دستگیر شده اند، را آزاد نماید.

ما از دولت فدرال آلمان و اتحادیه اروپا می خواهیم که آشکارا و علنی رویکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمایند و از رژیم بخواهند تا دست از اقدامات وحشیانه بر علیه مردم ایران بردارد.

باید یک هیئت مستقل به ایران برود و از اوضاع ایران به ویژه زندانها دیدن نماید و نتیجه گیری قاطع نماید.

اقدامات مشخص بر علیه جمهوری اسلامی ایران ضروریست.

دولت فدرال آلمان تاریخاً بهترین روابط تجاری و اقتصادی را با ایران داشته است و با خدشه دار کردن گسترده حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی، مردم ایران نباید قربانی این مناسبات تجاری و اقتصادی شوند.

ما از دولت فدرال آلمان می خواهیم که خواسته های مردم ایران را

برای رسیدن به دموکراسی و آزادی درک نمایند و از آن پشتیبانی کنند.

ما از شما درخواست می‌کنیم تا به زودی قرار ملاقاتی بگذارید تا در مورد جزئیات با هم بیشتر صحبت کنیم.

بخشی از فعالین شهر ماینس

Demokratische Forum der Iraner

C/O Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP

Albert-Schweitzer-Str 113-115

Mainz 55128

**11 دسامبر : گردهمایی بزرگ
ایرانیان اروپا
در برابر پارلمان اروپا -
بروکسل**

ملت ایران دیگر طاقت تحمل حکومت اسلامی را ندارد

خیزش آبانماه شبیه قیامی بود که در جریان گرانی قیمت بنزین، با شعارهای براندازانه نسل جوان شعله ور شد و نشان داد که مردم ایران خواهان سرنگونی نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی هستند.

مردم زیر بار ستم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمتها، کارد به استخوان شان رسیده به اعتراض برخاستند و به هنگام سرکوب جنایتکارانه رژیم، از خود دفاع کردند. اکنون هزاران معترض در زندان اسیر هستند. آنها زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارند و خطر اعدام آنها را تهدید می کند.

ما صدای آزادیخواهانه مردمی هستیم که علیه حکومت اسلامی بپا خاستند و برآنیم تا پیام آنها را به آگاهی جامعه اروپا، پارلمان اروپا و جهات بین برسانیم.

در ایران ما، چهل سال نظام تبعیض، آپارتاید جنسی، غارت، استبداد، سرکوب، شکنجه و اعدام حاکم بوده و حکومت اسلامی بطور سیستماتیک مرتکب جنایت در ایران و منطقه شده است. ایرانیان حکومت اسلامی را دیگر تحمل نمی کنند و ما نیز خواست سیاسی مردم را خواست خود می دانیم و انتظارات مان را از اتحادیه اروپا، مردم اروپا و جهات بین به شرح زیر اعلام می داریم:

1-توقیف اموال مسئولین حکومتی، نمایندگان مجلس، نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و شبکه های مافیایی پیرامونی آنها

2-اعزام نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا و سازمان ملل برای دیدار با زندانیان و خانواده جانبختگان خیزش خودجوش مردمی آبانماه

3-حمایت از مبارزات ملت ایران برای رهایی از اسارت حکومت و دستیابی به حق حاکمیت بر سرنوشت خویش

4-حمایت از نهادها و سازمانهای مدنی در جهت استقرار ارزش انسانی و حقوق بشر

ما با تاکید به شرایط حساس میهنمان و ضرورت تام همبستگی ملی، دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم، کنشگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از نهادها و فعالین سیاسی و مدنی دموکرات و ملی درخواست داریم که با حضور در همایش 11 دسامبر مقابل پارلمان اروپا، با مبارزات آزادیخواهانه مردم اعلام همبستگی کرده و در عین حال، صلاحیت سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی برای نمایندگی ملت ایران را بی اعتبار کنیم.

هماهنگی ایرانیان - اروپا

برای پشتیبانی از قیام مردم ایران

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2019/12/VIDEO-2019-12-04-09-15-35.mp4>

همبستگی مردم لبنان و غزه با

خیزش اجتماعی در ایران

این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز "نه غزه، نه لبنان...
جانم فدای ایران..." کجا

حماد شبانی



این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق، پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران مکرراً شنیده و دیده میشود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی که هم‌رأی با مردم هستند، در رسانه ها بر پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می‌ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و جمهوری اسلامی ایران را تذکر می‌دهند. این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز: "نه غزه، نه لبنان... جانم فدای ایران..." کجا. روحیه ای در تضاد کامل با سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم، که باعث تفرقه و جدایی بین مردمان منطقه شده است.

روزنامه لبنانی "الانباء" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست پیشرو (طایفه دورزی - ولید جنبلات مخالف کنونی ائتلاف حاکم) نوشته ای را به نقل از روزنامه "المانیتور" درباره تأثیر تظاهرات مردم ایران در سیاست خارجی حکومت اسلامی در ایران منتشر کرد. نویسندگان این مقاله حمیدرضا عزیززی، استادیار مطالعات منطقه ای در دانشگاه "شهید بهشتی" و عضو شورای علمی پژوهشگاه اوراسیا و مطالعات ایران در تهران، است.

نویسنده در ابتدای مقاله خود از تصمیم تهران مبنی بر افزایش قیمت بنزین، که موج اعتراضاتی قوی و تقریباً سراسری را در ایران برانگیخت، صحبت می‌کند. او ادعا می‌کند که اگرچه دولت ایران توانست جنبشهای مردمی را (جمع کند)، اما هم اکنون بحثهای زیادی درباره این جنبش همچنان مطرح است و بحثها موضوعاتی از قبیل علل بروز اعتراضات تا نتایج آن با توجه به تأثیر احتمالی در سیاست خارجی ایران را در بر می‌گیرد، به عنوان مثال، این که، دولت آمریکا معتقد است که آنچه در ایران رخ داده اثبات این مدعاست که

کارزار فشار شدید دونالد ترامپ بخوبی کار می کند و مردم ایران را در برابر سیستم سیاسی حاکم قرار داده است.

نویسنده الانباء ادامه م ی دهد:

نمایند و ویتنام ایالات متحده در امور ایران "برایان هاوک" نیز ضمن ابراز خوشحالی کشورش از اعتراضات در ایران تأکید کرد که حداکثر فشار ادامه خواهد یافت. ترامپ و "مایک پومپئو" وزیر امور خارج آمریکا نیز دربار این تظاهرات اظهار نظر کرده اند.

اتحادیه اروپا از دولت ایران خواسته است که "در برخورد با اعتراضات" حداکثر خویشتن داری را رعایت کند، در حالی که آلمان و فرانسه از اوضاع ایران بشدت ابراز نگرانی کرده اند. در پاسخ به این اظهارات، عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارج ایران، تحادیه اروپا را به مداخله در امور داخلی ایران متهم کرد و تعهدات اروپا در توافق هسته ای (!؟) را به آنها یادآور شد.

نویسنده (حمیدرضا عزیزی) مدعی است "حمایت از تظاهرکنندگان این روایت حکومت اسلامی ایران را برجسته می کند که هدف واقعی ایالات متحده از طریق کمپین فشار این نیست که ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد بلکه انگیزه اش "تغییر رژیم" در ایران است، بنابراین هیچ شکلی از تعامل دیپلماتیک با آمریکا به ثمر نخواهد رسید. به قول حمید رضا عزیزی، ایران به اجرای سیاست "مقاومت (کذا) حداکثر" ادامه خواهد داد.

مقاله ادامه چنین می دهد که از سوی دیگر، احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان، اظهار داشت که فرانسه و آلمان، ایالات متحده را در مواضع مربوط به اعتراضات (مردمی) همراهی می کنند. به گفت آقای عزیزی، اعتراضات اخیر بر سیاست منطقه ای ایران نیز بازتاب خواهد داشت، بویژه به موازات ادامه اعتراضات در عراق و لبنان، جایی که ایران معتقد است برخی قدرتهای خارجی سعی در تضعیف ایران و متحدان منطقه ای آن دارند.

حمید رضا عزیزی، در نوشت خود به این نتیجه رسیده است که تظاهرات اخیر می تواند منجر به تحکیم روابط ایران با روسیه شود و گوئی از زبان سخنگوی دولت اسلامی حاکم بر ایران، تهدیدها صادر می کند و می گوید شرایط کنونی مواضع ایران در قبال غرب و رقبای منطقه ای آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روابط آن را با شرکای فعلی خود تقویت خواهد کرد.

وقایع اخیر لبنان (تلاشهای دو سه روز گذشته) بسیجیهای امل و حزب الله که بارها در جای جای این کشور دست به آشوبهای جنون آمیز زده اند) و نیز جنبش مردمی در عراق - که دولت ایران در هر دو مورد حامی کاربرد خشونت‌های مرگبار علیه نیروهای انقلابی و معترضین خیابانی شده است - دخالت جمهوری اسلامی را در پیگیری سیاست‌های آن مبتنی بر تشنج آفرینی و دخالت توسعه طلبانه، با اتکاء به روابطش با روسیه، آشکار می کند و چهره واقعی آنرا در جنگ نیابتی جاری در منطقه، میان طرف‌های امپریالیستی و ارتجاعی و به زیان خلق‌های مبارز و به جان آمدن خاورمیانه را، روشنتر می کند.

در برابر این مواضع دشمنانه، این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران شنیده و دیده می شود. بسیاری از تحلیلگران هم‌رای با مردم در رسانه ها به پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و رژیم جمهوری اسلامی در ایران را تذکر می دهند.

مسئولیت ما و این همه خبر!

حماد شیبانی

این روزها همزمان با اعتراضات گسترده مردم، فیلم‌های متعددی در رابطه با آتش زدن و تخریب مراکز مختلف حکومتی و بانکها، پمپ بنزینها، فروشگاهها و حتی خودروهای شخصی مردم عادی، در سطح وسیعی منتشر شده است.



تاکنون هیچ گروه یا شخصی از میان شرکت کنندگان در درگیریهای اخیر ایران مسئولیت این وقایع را برعهده نگرفته است. تنها در یک مورد آنهم به دلیل حضور دزدان نیروهای امنیتی در پوشش اورژانس و

با استفاده از یک یا چند آمبولانس برای دستگیر کردن معترضین بویژه زخمیها از سوی مردم شناسائی شده و به آتش کشیده شده است.

برعکس در مواردی دیده و گزارش شده که گروههایی پرشمار از عناصر کاملاً مجهز به وسایل تخریت با صورتهای پوشیده و لباسهای متحدالشکل و رزمی با اتومبیل یا سوار بر موتورهای همشکل، ناگهان در یک محل ظاهر می شوند و بصورت کماندوئی "عملیات تخریبی" انجام می دهند و ناپدید می شوند. رژیم و باندهای رسمی و غیررسمی آن (بسیج و پاسداران) و سازمانهای امنیتی دولتی در ایجاد اقدامات تشنج آفرین حتی در ایجاد آشوبهای خیابانی و نفوذ در تظاهرات اعتراضی مردم و شورشهای برحق آنان، ید طولائی دارد. دستگاه سرکوب در جلوگیری از تعمیق جنبشهای مدنی و مطالباتی و صنفی جامعه و راندن موج ستمدیدگان بسوی اقدامات کور به منظور تسهیل سرکوب و توجیه سیاستهای قهرآمیز خود مهارت دارد. دستگیریهای خشونتبار و اعدامهای گروهی (در چارچوب شوک درمانی و استفاده از تجربیات مشترک هم) جناحهای حکومتی، درج مطالب فرمایشی و تحریفی در رسانه های زرد داخلی و خارجی مشاطه گر) از مهارتهای دیگر این حکومت است.

امروزه خیابانهای شهرهای ایران آبدستن خیزشها و اعتراضهای جدید است. انبوه میلیونی شهروندان اعم از کارگران، زنان، جوانان، خیل عظیم بیکاران، بازنشستگان، کشاورزان، دانشجویان، معلمان و استادان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، و سایر گروههای اجتماعی به شمول ملیتهای مختلف و باورمندان به مذاهب و اندیشه های غیرحکومتی، از زندگی تحت سلطه این حاکمیت به تنگ آمده اند. مردم ایران همچنان در مقابل چرخه خشونت حکومتی مقاومت می کنند و شرایط سریعتر از گذشته به موقعیت انقلاب ناگزیر نزدیک می شود.

حکومت نیز غرق در فساد و ناکارائی، ناتوان از ادامها اقتدار جهنمی و دستخوش بحرانهای بنیادی، به بن بست رسیده است.

حکومت اسلامی یگانه خالق آشوب در کشور ما و نیز در منطقه است، این حکومت در پادگانها و پایگاههای نظامی و شبه نظامی، مزدوران وابسته به خود و نیروهای خارجی مثل حزب الله و حشد شعبی، فاطمیون پاکستان و حوثیهای یمن، شیعیان ولایی عربستان سعودی و بحرین، و حتی گروههای سنی شبه القاعده و طالبان، و افراط گرایان کشورهای آفریقایی را زیر نظر کارشناسان حرفه ای که در خدمت دارد، آموزش می دهد و از آنها برای نفوذ در "شورشها" و ایجاد بلوا و سرکوب خشن استفاده می کند.

شواهد قانع کننده و غیرقابل انکاری وجود دارد که می تواند در هر دادگاه مستقل رسمی و مردمی، بویژه در سطح بین المللی ارائه شود. گروههای مخالف رژیم ایران باید فکر برپائی کمپینهای محلی و بین المللی و تلاش برای تشکیل نهادهای مستقل کشف حقیقت باشند، به ویژه که رژیم از طریق مراجع قضایی و امنیتی خود به دروغ ادعا می کند که در جریان اعتراضات کسانی را به هنگام آتش زدن مراکز دولتی و در حین انجام "عملیات تخریبی" و ارتکاب "جرم" همراه با ابزارهای لازم، دستگیر کرده است و به زودی به مجازات سخت خواهد رساند. یک مقام قضایی هم ادعا کرده است که آنها به جرم خود "اعتراف کرده اند".

درست در چنین شرایطی است که دیدبانی هشیارانه و مسئولانه با رویدادهای مردمی و نقشه های حاکمیت ضرورت دارد. مبارزه با نشر اخبار جعلی (فیک نیوز) و خبرسازیهایی حتی در قالب ظاهری دفاع کلی از جنبش بویژه در رسانه های اپوزیسیون حکومت (با هر درجه از خلوص که باشد) وظیفه ای خطیر است.

توجه به نمونه ترکیب و جمله بندیهای متناقض یکی از نشریات اینترنتی اپوزیسیون به نام "به پیش"، ارگان "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" شاید درس آموز باشد.

به جملات زیر، در گزارشی با عنوان پرطمطراق "جنگ خیابانی، تجربه جدید مردم" توجه کنید: (<https://bepish.org/node/2807>):

»

.....

خطر بسیار جدی است. رژیم در تدارک کشتار گستردۀ جدیدی بویژه در حق دستگیرشدگان است. عاملان و آمران سرکوب و کشتار مردم که از هیبت امواج کوبندۀ اعتراضات مردمی سرگیجه گرفته اند در نهایت دستپاچگی از خیزش کنونی به عنوان "جنگ بزرگ جهانی" یاد می کنند و آنرا به خارج از کشور، طرفداران نظام پیشین یا مجاهدین و "فروغ جاویدان" نسبت داده و خشونت جهنمی خود را تحت عنوان "مرصاد 2" به رخ معترضان می کشند.

مردم و نیروهای آزادیخواه و نیز افکار عمومی بین المللی فراموش نکرده اند که در حکومت فعلی ایران، با دست زدن به کشتارها و اقدامات فاشیستی و سرکوبگرانه، از همان نخستین ماههای به قدرت رسیدنش چه آشوبهایی را در مناطق مختلف کشور که نوع دیگری از زندگی و حکومت را می خواستند برپا کرد. داستان توطئه ها علیه شوراهای مردمی در سنندج کردستان و گنبدِ ترکمن صحرا، و تبریزِ آذربایجان، محمّرِ خوزستان و... فراموش نمی کنند. مردم نمونۀ هولناک پوشیده نگه داشته شدۀ قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 را فراموش نکرده اند و این را هم که چگونه از طریق قطع کامل ملاقات زندانیان با خارج از زندان و قرار دادن مردم ایران در بیخبری از فرزندان خود، طی نزدیک به سه ماه هزاران تن از شریف ترین فرزندان سرزمین ما را به جوخۀ اعدام سپرد.

کیست که فراموش کند، در سال 88 چه بر سر مردم آمد. جرم میلیونها معترضی که در مسالمت جویانه ترین شکل ممکن، مطالبۀ آرای دزدیده شدۀ خود در انتخابات کذائی آن سال را در خیابانها فریاد می زدند و سرکوب شدند، چه بود.

شواهدی بسیار از موارد تاریخی دست داشتن حکومت در ایجاد آشوب و نسبت دادن آن به مردم وجود دارد. اکنون این راز توسط برخی از ارگانهای دولتی و در جریان تصفیه حسابهای جناحی خود برملا شده است. (*) این رازها همچنین براساس اعترافات برخی از دست اندرکاران سابق که یا خود حکومت را ترک کرده اند و یا به دلایل مختلف از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند، روشن شده است، شهادتهایی که در دفاتر نهادهای مختلف حقوق بشری و دادگاههای رسیدگی به اعمال جمهوری اسلامی ثبت شده است.

اما اگر مثلاً فرض کنیم شخصی عصبانی یا کسی از بین مردم از این نوع اعمال خودجوش انگیزه می گیرد، فکر می کنم که سؤال از این طریق و توجیه اخلاقی برای فقدان "شواهد" عینی، و بخصوص وقتی که

قاتلان مردم در مقام قوای قضائیه دست اندر کار بازتولید مدارکی برای توجیه جنایات خود هستند، (هیجانی شدن) و دامن زدن به (فیک نیوز)، نه فقط به نفع جنبش نیست، بلکه سخت علیه آن است. مسئولیت اداره کنندگان یک نشریه اپوزیسیون وقتی گزارش وقایع را می خوانند و تحلیل ارائه می دهند و بر اساس این "گزارشات" و "شاهدعینی"ها و "شهروند خبرنگار"ها و "ارتباط ویژه"ها، رهنمود می دهند کجا رفته است.

درست است که ما تبعیدیان و مهاجران، به خاطر آنچه در خانه اتفاق می افتد حالتی نگران و عصبی داریم، اما، تجربه و دانشمان کجاست؟

من که این کلمات را می نویسم می گویم بله، انبوه مردم ما، کسانی که سفره های خالی خود را در خیابانهای کرج، مریوان، تهران، شیراز، آذربایجان، لرستان، کردستان و خوزستان به عنوان یک اقدام اعتراضی پهن می کنند، چندین دهه است که می دانند و هر روز با گوشت و پوست خود لمس می کنند که چگونه رژیم اقتدارگرای اسلامی نمایندگانی منافع تعداد محدودی از باندهای غارتگر جامعه است. آنها شنیده اند و درک می کنند که بیش از هفتاد درصد از سپرده های بانکی متعلق به تنها یک درصد از جامعه است، گردش نقدینه و پول انحصاراً در اختیار بخش ناچیزی از افراد جامعه قرار دارد. شرکتهای مضاربه ای و رباخواری اسلامی، خانه خرابشان کرده و به ورطه "مال باختگی" پرتابشان کرده است. آنها می دانند که این همه معنای ساده ای دارد. وحشیگری کامل و خشونت سازمان یافته حکومت اسلامی مدافع سرمایه داری.

امروز همه به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از این بردگی، باید این نظام ناپدید شود. البته مردم ستم دیده اما آگاه، وقتی مطالب حقوق خود می کنند و برای باز پس گرفتنش بپا می خیزند عزم آن دارند که رژیم را سرنگون کنند. چهل سال است در برابر سرکوب، هم التماس می کنند و هم مقاومت. اما نه التماسشان بجائی می رسد و نه مقاومتشان با دستهای خالی ثمری می دهد. پس حتی اگر مردم روزی - که بدلیل رفتار این رژیم - دیر نیست، خود را سازماندهی کنند و به دفاع مسلحانه برخیزند، بدون شک حق دارند که بخواهند دستگاه سرکوب را درهم بشکنند.

حکومت اسلامی ایران، هم در بازار کار و هم در بازارهای مالی و اینروزها بیش از پیش در خیابانهای زندان بزرگی بنام ایران، مردمان را بگونه ای وحشیانه اسیر تحریم خارجی از یکسو و از

دیگرسو زیر سرنیزه و سلطه نظامی که بنام دولت، قانون جنگل جاری کرده و بشکل انحصاری، قوه قهریه را قبضه کرده است قرار دارد. مردم این کشور غارت شده که زنجیر ارتجاع، استعمار و استبداد و استثمار، بر دست و پایش بسته شده است، حق رهایی دارند و تحقق این حق جز با برهم زدن این معادله ناعادلانه به دست نخواهد آمد.

بله، این یک جنگ طبقاتی است. انقلاب است

و "وای برملتی که انقلابی را شروع کند و آنرا به پایان نرساند".

(*)

مهدی محمودیان، روزنامه نگار در تویتر خود به نقل از یک شاهد عینی نوشت: "یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند."

[mehdi mahmoudian](#)

[MahmoudianMe@](#)

یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه‌ای واقع در شهر قدس می‌اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می‌برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند

[۷'۸۱۴](#)

[۱۳۹۸ - ۵ آذر ۱۱:۴۵](#)

همبستگی با خیزش توده‌ای در ایران !



اطلاعیهی سندیکاهای کارگران و معلمان فرانسوی در همبستگی با جنبش آبان 98 در ایران

ده ها هزار ایرانی از روز ۱۵ نوامبر به خیابان ها آمده اند. آن ها، پس از افزایش سیصد درصدی بهای بنزین توسط رژیم، علیه آن تظاهرات کردند. این افزایش با خود گرانی شدید تمام قیمت ها را به همراه خواهد داشت. در طی سال گذشته ارزش پول ایران را چندین بار کاهش داده اند. قدرت خرید مردم به شدت کاهش یافته است.

از تاریخ ۱۶ نوامبر مردم ایران به واسطه قطع دسترسی به اینترنت از جهان منزوی شده اند. بهمین خاطر اطلاعات در دسترس از ایران بسیار محدود شده اند. رژیم تهران بدین وسیله می کوشد تا دامنه اعتراضاتی را که در کشور می جوشد، پنهان کنند.

بنا به گزارش "عفو بین الملل"، سرکوب بی امان رژیم علیه تظاهرکنندگان، در بیش از ۲۰ شهر تعداد ۱۴۳ نفر کشته برجا گذاشته، ۴۰ نفر در استان خوزستان (اکثریت عرب نشین)، ۳۴ نفر در استان کرمانشاه (اکثریت کرد نشین)، و ۲۰ نفر در استان تهران.

بیشتر قربانیان جوانان زن و مرد کارگر هستند . بسیاری از این قربانیان با گلوله نیروهای انتظامی از ناحیه سر یا قفسه سینه مورد اصابت واقع شدند. هزاران تن دستگیر شده اند. این ارقام به سرعت افزایش می یابند .

حکومت در برابر خواسته های به حق اقتصادی و سیاسی مطرح شده چنگ و دندان نشان می دهد. حکومت تهدید به در خون خفه کردن این خیزش کرده است. جنبش اعتراضی زنان علیه حجاب هم سرکوب شد.

امروزه بیش از گذشته، زمان همبستگی با مبارزاتی است که از سال ها پیش در ایران جریان دارند :

- علیه زندگی گران ، بیکاری و فساد
- برای آزادی بیان و تشکل
- برای حقوق زنان، از جمله لغو پوشش اجباری اسلامی
- برای لغو حکم اعدام (که امروز برای مخالفان سیاسی و همجنسگرایان اعمال می شود)
- برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی
- برای آزادی تشکیلات مستقل اتحادیه ای و آزادی فعالان کارگری زندانی.

پاریس ۲۶ نوامبر ۲۰۱۹

سندیکاهای فرانسوی عضو کلکتیو حمایت از کارگران ایران :

- | | | | | |
|---|---|-----|------------|-----------|
| ت | د | ا ف | CGT | س ژ ت |
| | | | | س |
| | | | | CFDT |
| | | | FSU | ا ف اس او |
| | | | SOLIDAIRES | سولیدر |
| | | | UNSA | اونسا |

[اطلاعیه به زبان فرانسه](#)

